

بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا^۱

دکتر سید عباس موسویان*، روح‌اله غلامی**

چکیده

از مشکلات اساسی نظام بانکی در شرایط فعلی، افزایش تسهیلات غیرجاری نسبت به تسهیلات اعطایی است. برخی از مشتریان بانک به‌رغم تمایل به پرداخت بدهی‌های خود، قدرت پرداخت در سررسید مقرر را ندارند و در صورت همکاری بانک و استمهال بدهی، می‌توانند ضمن استمرار فعالیت بنگاه، در مدت زمان مشخص به‌صورت تدریجی بدهی خود را پرداخت نمایند. با توجه به اهمیت موضوع استمهال، نظام بانکی راهکارهای مختلفی طراحی و عملیاتی نموده است. این راهکارها اگر چه در کمک به استمرار فعالیت بنگاه‌ها مفید بوده‌اند، اما از جنبه‌های فقهی، حقوقی، اقتصادی و بانکی قابل نقد و بررسی هستند. این پژوهش که از نوع کاربردی است، ضمن نقد و بررسی روش‌های استمهال فعلی، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، راهکار جدیدی را برای عملیاتی کردن استمهال مطالبات غیرجاری نظام بانکی ارائه می‌کند. اساس کار در این راهکار بهره‌گیری از عقد مشارکت مدنی کاهنده است. مشتری در قالب عقد مشارکت مدنی کاهنده یکی از دارایی‌های سرمایه‌ای خود را با بانک به مشارکت گذاشته، با این شرط که اولاً در دوران مشارکت در مقابل استفاده از سهم‌الشرکه بانک، اجاره‌بهای دارایی را پرداخت کند؛ ثانیاً به صورت تدریجی سهم بانک را خریداری نماید. این راهکار می‌تواند در کنار راهکارهای فعلی و با به‌عنوان جایگزین در بانک‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تسهیلات غیرجاری، استمهال، مشارکت کاهنده، سلف، خرید دین، اجاره به شرط تملیک.

طبقه‌بندی JEL: K12, E59.

۱. مطالب مندرج در این مقاله نظرات نویسندگان بوده و لزوماً دیدگاه بانک مرکزی نیست.

samosavian@yahoo.com

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

gholamitb@yahoo.com

** مسئول دایره اعتبارات مدیریت شعب استان فارس - بانک تجارت

۱. مقدمه

نظام بانکی در هر کشور برای اجرای مدیریت پولی می‌تواند بهترین نقش را ایفا نماید؛ بدین منظور تأمین و تجهیز منابع مالی، چگونگی مصرف منابع جذب‌شده و نحوه بازگشت مجدد آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسلماً بروز هر گونه خلل یا مشکل در هر یک از این بخش‌ها موجب به‌وجود آمدن مشکلاتی در فرآیند سیستم خواهد شد.

یکی از مشکلاتی که کشورهای مختلف از جمله ایران در شرایط فعلی با آن روبه‌رو است، افزایش مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها نسبت به کل تسهیلات اعطایی در شبکه بانکی است که بیانگر کاهش کیفیت دارایی‌های این شبکه و به دنبال آن، بی‌ثباتی‌های مالی احتمالی در آینده است. هر چه حجم این نوع مطالبات کمتر باشد، نشان‌دهنده توانایی بانک‌ها در حفظ منابع موجود و بالابودن حجم این نوع تسهیلات غیرجاری نیز حاکی از تهدید منابع بانکی است.^۱

پرداخت‌نشدن دیون در سررسید توسط بدهکاران می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. با قطع نظر از دلیل، این عدم پرداخت آثار منفی زیادی بر روابط مالی جامعه می‌گذارد که مهم‌ترین آنها سلب اعتماد عمومی، کاهش معاملات مدت‌دار، کاهش توان تسهیلات‌دهی و سودآوری بانک‌ها، کاهش روح تعاون و همکاری بین افراد و نظام بانکی است.^۲

بر این اساس، ضروری است فقها، حقوق‌دانان و کارشناسان بانکی با مطالعه دقیق بر روی علل و عوامل تأخیر در پرداخت و آثار و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن با رعایت موازین فقهی و مصالح بانک‌ها و جامعه راهکارهایی عملی برای حل مشکل پیدا کنند. یافتن ریشه‌های این مشکل به‌منظور جلوگیری از رشد مطالبات معوق در تسهیلات اعطایی و یا وصول آنها به صورت بالقوه و بالفعل، امکانات ایجاد درآمد جدید را افزایش داده و توان برنامه‌ریزی این مؤسسات را در رابطه با مصرف منابع و کسب درآمد بالاتر فراهم خواهد ساخت.

۱. شعبانی و جلالی. (۱۳۹۰).

۲. موسویان. (۱۳۸۵).

در این راستا مدیران و کارشناسان نظام بانکی، اساتید و پژوهشگران دانشگاهی پژوهش‌های بسیاری را در خصوص علل ایجاد و گسترش این مشکل و نیز راهکارهایی برای اصلاح آن تهیه و در همایش‌های مختلف یا مجلات پژوهشی ارائه و منتشر نموده‌اند؛ به نحوی که به منظور کاهش حجم مطالبات معوق نظام بانکی و افزایش توان بنگاه‌های اقتصادی این پیشنهادها به تصویب لایحه‌ها، آیین‌نامه‌ها و قوانین مختلف در قالب تبصره‌هایی در بودجه سالانه کل کشور منجر شده است. یکی از این راهکارها، استمهال بدهی‌های معوق بنگاه‌های اقتصادی بر اساس تشخیص ارکان اعتباری و دستورالعمل‌های ابلاغی بانک مرکزی است. در این پژوهش تلاش می‌شود، به روش تحلیلی-توصیفی ضمن شرح روش‌های موجود و کاربرد آنها، با استفاده از ابزار مشارکت کاهنده، فرضیه زیر اثبات شود:

”با استفاده از ابزار مشارکت کاهنده می‌توان راهکاری شرعی و عملیاتی به منظور استمهال مطالبات غیرجاری نظام بانکی طراحی نمود.“

این راهکار که بر اساس عقد شرکت طراحی شده و تمامی بخش‌های اقتصادی را شامل می‌شود، مشارکت کاهنده است که به عنوان‌های «مشارکت تناقصی»، «مشارکت متناقضه»، «مشارکت منتهی به تملیک» و «مشارکت تقسیطی» نیز نامیده می‌شود. راهکاری که از نظر شاخص‌های فقهی، حقوقی، اقتصادی و بانکی قابلیت اجرایی داشته و می‌تواند مورد استقبال بانک و مشتریان قرار گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های پیشین، اگر چه مقالات متعددی در خصوص مطالبات معوق در کشور ایران و کشورهای دیگر ارائه شده است، ولی بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هیچ یک از این پژوهش‌ها به ارائه یک مدل عملیاتی بر اساس عقود اسلامی به منظور استمهال مطالبات غیرجاری بانک‌ها پرداخته و تمام این آثار به بررسی علل مطالبات و ارائه راهکارهایی به منظور جلوگیری از افزایش مطالبات پرداخته‌اند که در زیر به تعدادی از مهم‌ترین این مقالات اشاره می‌شود.

موریس گلداستین و فلیپ تورنر^۱ (۱۹۹۶) در مقاله ”بحران‌های بانکی در اقتصادهای یکپارچه، ریشه‌ها و راهکارها“ در بانک تسویه بین‌المللی^۲ به بررسی دلایل بحران‌های بانکی پرداخته و مهم‌ترین

1. Morris Goldstein & Philip Turner

2. Bank for International Settlements

شاخص آنها را بالا بودن نسبت تسهیلات غیرجاری^۱ به مانده کل تسهیلات بیان نموده‌اند. آنها مهم‌ترین دلایل پیدایش مطالبات معوق را عواملی مانند بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان، وام‌دهی زیاد، فروپاشی قیمت‌های دارایی و نوسان‌های جریان‌های سرمایه‌ای، دخالت دولت و نبود کنترل بر وام‌دهی بیان می‌کنند.

محمد شفیق الاسلام و همکارانش^۲ (۲۰۰۵) در مقاله "مطالبات معوق، علل، راهکارها و برخی آموزه‌ها" به بیان برخی از روش‌های بازیابی تسهیلات غیرجاری یا نیازمندی‌های مربوط به این فرایند پرداخته‌اند. آنها با بیان دلایل نکول، برخی از روش‌های بازیابی و مقابله با معوقات را پیشنهاد نموده‌اند. گوانینگ نینگ^۳ (۲۰۰۷) در مقاله "علل پیدایش مطالبات معوق و راهکارهای آن در بانک‌های تجاری چین" عوامل پیدایش مطالبات معوق در بانک‌های تجاری چین را بررسی و عوامل مؤثر در پیدایش و افزایش این مشکل را در دو دسته طبقه‌بندی کرده است؛ ۱. عوامل خارجی غیراستاندارد و ۲. ریشه‌های غیرسیستمی مطالبات معوق. وی سرانجام، راهکارهایی را برای مقابله با مطالبات معوق بیان نموده است.

موسویان (۱۳۸۵) در مقاله "بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا"، با مطالعه علل و عوامل تأخیر پرداخت و مطالعه آثار و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن معیارهایی را بیان نموده و ضمن اشاره به راه‌حل بانکداری متعارف، نتیجه‌گیری نموده که راهکار جریمه تأخیر با شرایط فعلی کارایی لازم برای پیش‌گیری از افزایش مطالبات را ندارد.

بهمنی (۱۳۸۶) در مقاله "مدیریت مطالبات معوق"، روش‌های وصول مطالبات را به دو دسته روش‌های بانکی و غیربانکی تقسیم نموده و سرانجام، به مقایسه این دو روش پرداخته و به این نتیجه رسیده که در روش‌های بانکی قدرت مانور و ابتکار برای بانک‌ها بیشتر محفوظ است و با ابزارهای مدیریتی و بخشنامه‌ای می‌توانند در وصول مطالبات خود در سطح بهتری عمل نمایند.

-
1. Non-Performing Loans
 2. Islam Mohmmad Shofiqul, et al
 3. Guo Ning -ning

برهانی (۱۳۸۹) در مقاله "بررسی علل و عوامل ایجاد مطالبات معوق و راهکارهای کاهش آن"، ابتدا به مسأله اهمیت مطالبات معوق بانکها اشاره نموده و در ادامه آثار مطالبات معوق، علل و عوامل ایجاد آن را در درون بانک و بیرون آن به طور کامل مورد بحث قرار داده و در پایان، راهکارهای کاهش مطالبات معوق را با توجه به تجربه بانکها ارائه می‌نماید.

شعبانی و جلالی (۱۳۹۰) در مقاله "دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن"، پس از بررسی تجارب داخلی و خارجی و راههای مقابله با معضل مطالبات معوق و انجام پژوهش میدانی، بیش از سی عامل در ایجاد مطالبات معوق کشور را شناسایی و در نهایت نتیجه‌گیری نموده‌اند که در نظام بانکی ایران، نقش عوامل درون سازمانی در شکل‌گیری معوقات از عوامل برون سازمانی بیشتر است.

۳. ضرورت استمهال بخشی از مطالبات نظام بانکی

آمارها نشان می‌دهد که نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات بانکها، با رشد نسبتاً قابل توجهی همراه بوده است، به طوری که این نسبت از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۳، برای کل نظام بانکی به ۱۷/۲ درصد در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته و متأسفانه، این رقم در سال ۱۳۸۸، به ۱۸/۳ درصد رسیده است. گفتنی است که در اسفند ماه ۱۳۸۸ مطالبات غیرجاری شبکه بانکی کشور برابر ۴۱۷/۳ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به پایان سال ۱۳۸۷ برابر ۲۸/۴ درصد رشد داشته است. نکته مهمی که می‌توان مطرح نمود این است که تمام این مطالبات به وجود آمده مربوط به یک طیف از مشتریان نیست.^۱

آخرین برآوردهای بانک مرکزی، رقم مطالبات معوق در روزهای پایانی سال ۱۳۹۱ را در حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان مشخص کرده است؛ این در حالی است که حجم مطالبات معوق در نیمه اول سال ۱۳۸۴ به میزان پنج هزار میلیارد تومان اعلام شده بود. بنابراین، با استفاده از آمار جدید، حجم مطالبات معوق از نیمه نخست سال ۱۳۸۴ تاکنون، بیش از ۱۶ برابر شده است که رشد بیش از ۱۵۰۰ درصدی را نشان می‌دهد. بررسی آمارهایی که در چند سال اخیر در خصوص تغییرات میزان مطالبات معوق منتشر شده نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۵ تاکنون، هرساله حجم مطالبات معوق نظام بانکی با نرخ

۱. ترازنامه بانک مرکزی. (۱۳۸۹).

رشد‌هایی بیش از ۳۰ درصد در حال افزایش بوده است. در سال ۱۳۸۴، میزان مطالبات پنج هزار میلیارد تومان بود. این رقم پس از دو سال در سال ۱۳۸۶ با ۲۰۰ درصد رشد به ۱۵ هزار میلیارد تومان رسید. از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ نیز، رقم مطالبات تقریباً با ۳۰۰ درصد رشد، چهار برابر شد. رشد مطالبات معوق در سال ۱۳۹۱ تقریباً برابر ۳۶ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۱، نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلاتی که از طریق نظام بانکی پرداخت شده نیز به روند افزایشی سال‌های پیشین خود ادامه داد.

نسبت مطالبات معوق به تسهیلات، یکی از شاخص‌های مهم بانکی است و درصد مطالبات معوق از کل تسهیلات اعطاشده توسط شبکه بانکی را نشان می‌دهد، یعنی چه نسبتی از کل تسهیلاتی که بانک‌ها پرداخت کرده‌اند، به شبکه بانکی قابل بازگشت نیست. این نسبت از حدود ۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۳ به حدود ۱۸ درصد در میانه‌های سال ۱۳۹۱ رسیده است. به بیان دیگر، ۱۸ درصد از اعتباراتی که از نظام بانکی خارج شده، در حال حاضر امکان بازگشت به این سیستم را ندارد.^۱

به باور کارشناسان، پدیده‌هایی مانند جهش در مطالبات معوق را باید تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت و شرایط اقتصادی کشور بررسی کرد؛ یعنی مجموعه عواملی که درآمدزایی سرمایه‌گذاری و تولید را با خطر مواجه کرده و به ناتوانی در بازپرداخت تسهیلات دریافت شده از سوی وام‌گیرندگان دامن زده است.

همواره وجود طیف متنوع مشتریان نظام بانکی و نیز تنوع درخواست‌ها و نیازهای آنها، از یک سوی، نظام بانکی را وادار به اولویت‌بندی و طبقه‌بندی مشتریان و از سوی دیگر، اولویت‌بندی خدمت قابل ارائه می‌نماید. بر این مبنا این تنوع طیف در مشتریان دارای مطالبات نیز وجود دارد. بنابراین، این‌گونه مشتریان را نیز به طور کلی می‌توان به دو گروه طبقه‌بندی نمود:

۳-۱. شرکت‌های دولتی

به‌رغم بیان‌نشدن دقیق و رسمی آمار مطالبات معوق به تفکیک بدهکاران دولتی و خصوصی اطلاعات موجود نشان می‌دهد که بخش بزرگی از این مطالبات به شرکت‌های دولتی مربوط است.

۱. وب‌سایت خبرآنلاین به نقل از بانک مرکزی. (۱۳۹۲).

۳-۲. فعالان اقتصادی در بخش خصوصی

این گروه از بدهی‌های معوق نظام بانکی که بخش قابل توجهی از مطالبات را شامل می‌شود، می‌توان به دو زیربخش تقسیم نمود:

۳-۲-۱. سوء استفاده‌کنندگان از تسهیلات دریافتی

این بخش از بدهکاران از ابتدا با ارائه فعالیت‌های به‌ظاهر موجه، یا برای مقاصد دیگر موفق به دریافت تسهیلات شده و یا اینکه مدیر و مالک یک بنگاه اقتصادی به‌رغم سرمایه‌گذاری تسهیلات در فعالیت مربوطه و داشتن توجه اقتصادی مشاهده می‌کند که با تأخیر در پرداخت بدهی، سرمایه نقدی بدون هزینه‌ای در اختیارش قرار می‌گیرد که می‌تواند با استفاده از آن معاملات سودآور داشته باشد.^۱

در مورد این گروه از فعالان اقتصادی با توجه به اینکه نظام بانکی امانت‌دار وجوه سپرده‌گذاران است، بهترین راهکار از ابعاد شرعی، اجتماعی و اقتصادی در جهت حفظ حقوق و منافع سپرده‌گذاران انتقال به‌موقع بدهی به سرفصل‌های مطالباتی و اجرایی نمودن اقدامات حقوقی و راهکارهای وصول مطالبات طبق دستورالعمل‌های اجرایی است.

۳-۲-۲. فعالان بخش‌های اقتصادی که قادر به پرداخت بدهی خود در شرایط فعلی نیستند

این بخش از بدهکاران، بازرگانان و تولیدکنندگان یا فعالانی هستند که به علت‌های مختلف از جمله مهم‌ترین آن تغییر شرایط اقتصادی یا مشکلات مدیریتی غیرمنتظره، قادر به پرداخت بدهی خود نیستند. در مورد این گروه، بهترین روش آن است که سررسید بدهی به زمان‌های آتی منتقل شود؛ چرا که پرداخت به‌موقع بدهی‌ها تنها از طریق فروش سرمایه میسر است که این به معنای تعطیلی بنگاه بوده و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراوانی را در سطح خرد و کلان جامعه در پی خواهد داشت. در مورد این گروه از فعالان اقتصادی می‌توان با استفاده از مذاکره علمی و تعامل دو طرفه از سوی بانک و مشتری شرایط لازم برای بازگشت منابع بانک و استمرار فعالیت اقتصادی بنگاه را فراهم نمود.

۱. مداحی. (۱۳۸۶).

راهکار پیشنهادی در این پژوهش، صرفاً در خصوص این گروه از مشتریان است که ارکان اعتباری بانک تصمیم‌گیرنده با مذاکرات و بررسی‌های انجام‌شده به این نتیجه می‌رسد که مشتری حاضر به همکاری و پرداخت بدهی بوده، ولی در حال حاضر با مشکل مواجه است. از نظر تعداد پرونده‌های مطالباتی نظام بانکی و شرایط فعلی اقتصادی می‌توان گفت بیشتر مدیونین در این گروه قرار می‌گیرند.

۴. نقد و بررسی راهکارهای موجود استمهال تسهیلات غیرجاری در نظام بانکی

نظام بانکی به منظور کمک به استمرار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و استمهال مطالبات غیرجاری آنها از برخی راهکارها استفاده می‌کند. این راهکارها گرچه در تبیین موضوع و کمک به استمرار فعالیت مشتری و ایجاد فرصت برای آنها گام‌های مهمی بوده، اما به دلایل مشکلات فقهی، نبود استقبال نظام بانکی، مدت زمان و یا شرایط درآمدی مشتریان از برخی جهات قابل نقد و بررسی است. به طور کلی، این راهکارها را می‌توان به دو گروه طبقه‌بندی نمود که در این بخش به بررسی این راهکارها می‌پردازیم.

۴-۱. راهکارهای ابلاغی به نظام بانکی توسط بانک مرکزی

به دلیل اهمیت و ضرورت مسأله، بانک مرکزی در بخشنامه‌ای به بانک‌ها ابلاغ نموده که در استمهال مطالبات غیرجاری و اجرای بند ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ در قالب قرارداد جدید از عقود خرید دین، اجاره به شرط تملیک و سلف استفاده نمایند، در ماده ۷ بخشنامه مربوطه آمده است:

۱. برای آن دسته از واحدهای تولیدی که دارای اسناد تجاری مبنی بر معاملات واقعی می‌باشند، بانک با خرید اسناد مذکور در قالب خرید دین نسبت به قرارداد جدید اقدام نماید.
۲. به پیشنهاد متقاضی دارایی شرکت در قالب اجاره به شرط تملیک از سوی بانک به میزان بدهی خریداری شده و سپس با توجه به پرداخت اقساط در قالب اجاره به شرط تملیک در اختیار متقاضی قرار گیرد.

۳. با توجه به معاملات سلف بانک پیش خرید نقدی محصولات تولیدی واحد بدهکار را انجام می‌دهد.^۱

استفاده از این عقود به منظور استمهال مطالبات غیرجاری بنگاه اقتصادی به صورت زیر قابل بررسی است:

۴-۱-۱. استفاده از ابزار خرید دین

بنا به تعریف خرید دین، تسهیلاتی است که به موجب آن بانک سفته، برات یا هر سند مالی مدت‌داری را که ناشی از معامله واقعی باشد، خریداری می‌کند. بانک‌ها بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار برای اشخاص حقیقی و حقوقی تا سقف معین خط اعتبار تعیین می‌کنند. بانک‌ها نسبت به بدهکارانی که از یک سوی بدهی معوقه دارند و از سوی دیگر، اسناد تجاری در اختیار دارند، می‌توانند با استفاده از ابزار خرید دین اسناد تجاری آنان را تنزیل کرده، از آن محل مطالبات معوقه خود را تسویه نمایند.

عملیات خرید دین تا سال ۱۳۸۹ بر مبنای آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن که در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۰۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و در شورای نگهبان نیز مخالف با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشده بود، انجام می‌گرفت؛ اما از سال ۱۳۸۹ بر اساس ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه کشور به صورت رسمی وارد قوانین شد و به عنوان ابزاری به قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شد.^۲

• نقد و بررسی

هر چند این ابزار در بانکداری بدون ربا مزایایی دارد، اما هم خود ابزار و هم استفاده از آن به عنوان یک راهکار در استمهال مطالبات نظام بانکی با محدودیت‌های زیر همراه است:

۱. مشهور فقیهان فقط استفاده از اسناد واقعی را قابل تنزیل می‌دانند؛ بنابراین، بانک تنزیل‌کننده باید به واقعی بودن سند اطمینان داشته باشد. به بیان دیگر، اسنادی که مشتری بدون پشتوانه معامله واقعی، امضا کرده و در اختیار بانک می‌گذارد، اسناد صوری یا دوستانه نامیده می‌شود که تنزیل آن

۱. بخشنامه شماره ۹۰/۱۹۱۳۲۵ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۵ بانک مرکزی- اداره اعتبارات

۲. موسویان. (۱۳۸۹).

درست نیست و در حقیقت چنین اسنادی ماهیت فروش دین را ندارند؛ چون در واقع دینی در کار نیست، بلکه ماهیت قرض با بهره را دارند که ربا است.^۱

۲. بخش عمده‌ای از مشتریان بخش خدمات با توجه به نوع فعالیت، هیچ گونه اسناد تجاری ندارند، بنابراین، امکان استمهال مطالبات آنها با استفاده از این روش امکان‌پذیر نیست.

۳. بخش عمده‌ای از مطالبات بانک‌ها مربوط به تسهیلات بلندمدت مشتریان بوده که متقاضیان نیز در این گونه موارد در خواست استمهال میان‌مدت و حتی بلندمدت متناسب با قدرت بازپرداخت خود را دارند که با توجه به کوتاه‌مدت بودن ابزار خرید دین ظرفیت لازم برای این منظور را ندارد.

۴. به نظر می‌رسد استفاده از ابزار خرید دین به منظور استمهال بدهی متقاضیان، صدور اسناد غیرتجاری و دوستانه را گسترش داده که علاوه بر اشکال شرعی، به علت صوری بودن، ریسک نکول بالایی دارند.

بنابراین، ابزار خرید دین در عین حال که ابزار مناسبی برای استمهال دیون مقطعی و موردی با مبالغ محدود است، اما برای استمهال دیون میان‌مدت و بلندمدت و با مبالغ بیشتر مناسب نیست.

۴-۱-۲. استفاده از ابزار سلف

منظور از معامله سلف در عملیات بانکی، پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین است. زمانی که تولیدکننده‌ای در جریان تولید کالا یا فراورده دچار کمبود سرمایه در گردش می‌شود یا بدهی معوقه دارد، می‌تواند از طریق پیش فروش قسمتی از تولید خود نیاز مالی بنگاه را تأمین نماید. پیش از تنظیم قرارداد سلف نکات لازم در مورد مشخصات بنگاه تولیدی، میزان تولید و فروش و جزاینها توسط بانک بررسی و پس از اطمینان از تحویل کالا در سررسید نسبت به خرید اقدام می‌شود. بانک می‌تواند با انجام قرارداد سلف بخشی از محصول بنگاه را پیش‌خرید کرده و از این محل بدهی معوقه بنگاه را تسویه نماید.

۱. موسویان و کشاورزبان. (۱۳۹۰).

• نقد و بررسی

این ابزار نیز به عنوان یکی از عقود اسلامی در تأمین سرمایه در گردش تولیدکنندگان نقش با اهمیتی دارد، همچنین، به عنوان یک راهکار در کمک به متقاضیان دارای مطالبات معوقه می تواند در استمرار فعالیت بنگاه مفید باشد، اما با محدودیت‌های زیر مواجه است:

۱. این ابزار در بخش‌های خدمات و بازرگانی کاربرد ندارد و در بخش تولید نیز بانک‌ها محصولاتی را خریداری می‌کنند که سهل‌البیع باشد، سریع‌الفساد نباشد و توسط خود فروشنده تولید شود، بنابراین، در بخش تولید نیز استفاده از این ابزار با محدودیت‌های جدی مواجه است.

۲. با توجه به ریسک تسهیلات سلف از نظر امکان و قیمت فروش محصول در زمان تحویل، امکان تولید محصول در سررسید و موارد دیگر، معمولاً توصیه می‌شود که این ابزار به عنوان آخرین راهکار در تأمین سرمایه در گردش استفاده می‌شود.

با توجه به کوتاه‌مدت بودن این عقد محدودیت ذکر شده در خرید دین در مورد این ابزار نیز وجود دارد، بنابراین، ممکن است برای استمهال مطالبات موردی و مقطعی و با مبالغ محدود مناسب باشد، اما برای مطالبات میان‌مدت و بلندمدت و با مبالغ بالاتر مناسب نیست.

۴-۱-۳. استفاده از ابزار اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک، قرارداد اجاره‌ای است که در آن شرط شود، چنانچه مستأجر به مفاد قرارداد عمل کند، موجر در پایان قرارداد اجاره، عین مستأجره را به ملکیت مستأجر درآورد.^۱ بانک اسلامی می‌تواند برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها یا تسویه بدهی‌های معوقه آنها، یکی از دارایی‌های بنگاه را به صورت نقد خریداری و با احتساب سود بانکی به صورت اجاره به شرط تملیک به خود بنگاه واگذار کند. بنگاه از محل قیمت فروش نقدی دارایی، بدهی معوقه خود به بانک را تسویه می‌کند.

۱. جمشیدی (۱۳۹۰).

• نقد و بررسی

این راهکار در مقایسه با راهکارهای پیشین جامع‌تر و کامل‌تر بوده و بسیاری از اشکالات آن دو را ندارد، اما با نقدهای زیر همراه است:

۱. ابزار اجاره به شرط تملیک در گروه قراردادهای مبادله‌ای بانک‌ها بوده که با توجه به نرخ سود قراردادهای مبادله‌ای در حال حاضر و قیمت تمام‌شده پول در بانک‌ها در شرایط فعلی به نظر می‌رسد این راهکار مورد استقبال نظام بانکی قرار نگیرد، به‌ویژه در مورد آن دسته از مطالباتی که نرخ سود قرارداد اولیه آنها بیشتر از نرخ سود عقود مبادله‌ای با شرایط فعلی است.

۲. معاملات اجاره به شرط تملیک اموالی که طول عمر مفید آنها کمتر از دو سال باشد، برای بانک‌ها ممنوع است.

۳. در قرارداد اجاره به شرط تملیک انتقال عین مستأجره به مستأجر در پایان مدت قرارداد و با پرداخت آخرین اجاره‌بها انجام می‌گیرد و این از انگیزه بنگاه‌های اقتصادی می‌کاهد.

۲-۴. راهکارهای استمهال اجرایی توسط بانک‌ها

در کنار روش‌های ابلاغی توسط بانک مرکزی، نظام بانکی نیز به منظور کمک به این‌گونه متقاضیان راهکارهایی را مورد استفاده قرار می‌دهند که با توجه به مشکلات بنگاه‌های اقتصادی در چند سال گذشته در استمرار فعالیت آنها مفید بوده است. در این بخش، به شرح و بررسی این روش‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. راهکار تقسیط بدهی‌های معوقه

قسط‌بندی بدهی‌های سررسید شده مشتری در سرفصل‌های مطالباتی را تقسیط می‌گویند. روش تقسیط مجدد در ادامه قرارداد اولیه بوده و پس از بررسی ساختار مالی بنگاه اقتصادی و اطمینان ارکان اعتباری از بازگشت منابع بانک، نسبت به وصول بدهی‌های سررسید شده مشتری بدون تغییر سرفصل و در ادامه همان قرارداد اولیه و بدون انعقاد قرارداد جدید اقدام می‌شود. مبلغ تقسیط معادل مجموع اقساط سررسید شده براساس دفتر کل شعبه است که پس از احتساب سود مترتبه براساس نرخ سود

قرارداد اولیه و یا در برخی بانکها براساس نرخ وجه التزام در قرارداد اولیه، مبلغ وجه التزام نیز به میزان بدهی مشتری اضافه و سپس اقساط ماهانه تعیین می‌شود.^۱

• نقد و بررسی

این راهکار اگرچه مزایایی مانند امکان فرصت مجدد، عدم پیگیری اقدامات قانونی توسط بانک، عدم ارائه وثایق جدید و پرداخت هزینه در این خصوص برای مشتری دارد، اما با نقدهای زیر همراه است:

۱. بر اساس فقه معاملات اسلامی، سود بانکی بایستی از یک قرارداد نشأت گیرد، در حالی که مبنای عقد و قرارداد برای تمدید مدت بدهی (تقسیم مجدد)، به شرح یادشده مشخص نبوده و دریافت سود مبنای شرعی و قانونی ندارد.

۲. با توجه به عدم انعقاد قرارداد جدید و خارج نشدن تسهیلات از سرفصل‌های مطالباتی بانک، عدم کاهش امتیاز منفی شعب، محقق شدن اهداف بانک در خصوص برنامه‌های مطالباتی و کاهش مطالبات به مرور، کاهش انگیزه بانکها برای استقبال از این راهکار وجود دارد.

۳. براساس دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌ها در نظام بانکی کشور تسهیلات امهال شده در صورت بهبود وضعیت اعتباری مشتری و ایفای تعهدات در زمان مقرر و احراز شرایط لازم می‌تواند به طبقات بالاتر منتقل شود. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که انتقال تسهیلات تقسیمی از سرفصل‌های مطالباتی به سرفصل معین استمهالی و طبقه جاری طبق روش برخی از بانکها در ابتدای دوره تقسیم و پیش از ایفای حداقل بخشی از اقساط جدید قابل توجه نیست.^۲

۴. بخشی از ذخایر عمومی و اختصاصی لازم در مقاطعی که صورتهای مالی تهیه می‌شود از محل سود بانک به این مطالبات تخصیص خواهد یافت.

۵. در این روش نرخ سود تقسیم همان نرخ قرارداد اولیه بوده که در صورت عدم تناسب با قیمت تمام شده پول در زمان تقسیم می‌تواند موجب ضایع شدن منافع سپرده‌گذاران در محاسبه سود قطعی بانک در پایان سال مالی شود.

۱. این راهکار براساس بخشنامه‌های وصول مطالبات بانک‌های ملی، ملت، تجارت، صادرات و رفاه است.

۲. بخشنامه مب/۲۸۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۰۵ بانک مرکزی

۴-۲-۲. راهکار مشارکت مدنی احیا

انتقال بدهی از سرفصل‌های مطالباتی به سرفصل تسهیلات جاری از طریق انعقاد قرارداد جدید احیا نامیده می‌شود. در این روش، پس از بررسی شرایط متقاضی و اطمینان بانک از وجود شرایط لازم و کارشناسی پرونده، در صورت توجیه داشتن موضوع، با حال نمودن کل بدهی مشتری، مطالبات بانک پس از کسر پیش پرداخت مشتری، به عنوان سهم‌الشرکه بانک، و مابقی دارایی‌های مشتری به عنوان سهم‌الشرکه مشتری محسوب می‌شود. با انعقاد قرارداد جدید در قالب مشارکت مدنی طرح با دوره مشارکت چند ماهه و تغییر سرفصل حسابداری نسبت به وصول مطالبات اقدام می‌شود.^۱

• نقد و بررسی

این راهکار در مقایسه با راهکار پیشین از برخی جهات به‌ویژه مبنای انعقاد قرارداد جامع‌تر بوده و مزایایی به شرح زیر برای مشتری و بانک دارد. خارج شدن از فهرست سیاه مطالباتی، استفاده از تسهیلات مجدد در صورت نیاز و دارابودن شرایط لازم، امکان اعطای فرصت به مشتری به منظور استمرار فعالیت، امکان واگذاری سهم‌الشرکه بانک در پایان مدت مشارکت در قالب قرارداد فروش اقساطی، برخی از مزایای این روش برای مشتری است. مزایای این روش برای بانک نیز شامل استمرار رابطه مشتری با بانک، برگشت منابع بانک بر اساس بررسی‌های انجام شده، حذف امتیازات منفی مطالبات، کاهش مطالبات بانک به صورت یکجا و عدم ذخیره‌گیری مطالبات است؛ اما این روش نیز در موارد زیر جای نقد و بررسی دارد:

۱. این طرح فقط آن گروه از واحدهای اقتصادی را که حساب سرمایه و دارایی منظم داشته و در هر مقطع زمانی سرمایه و دارایی‌های معلوم و مشخصی دارند، شامل می‌شود و به نظر می‌رسد در واحدهای تولیدی و تجاری کوچک و متوسط، اصناف و مشتریان حقیقی که حساب سرمایه و دارایی دقیق ندارند، قابل اجرا نیست.

۱. دستورالعمل اجرایی مطالبات معوق، روش وصول مطالبات- بانک تجارت، بخشنامه شماره ۶۸۷

۲. یکی از ارکان اساسی شرکت از نظر فقهی مشخص بودن سرمایه مشارکت و سهم‌الشرکه هر یک از طرفین است. در این راهکار، اگر چه مبلغ سهم‌الشرکه بانک معین، ولی کل سرمایه مشارکت و سهم‌الشرکه مشتری در هنگام انعقاد قرارداد و نیز در طول قرارداد مشخص نیست.

۳. به نظر می‌رسد، سود مبنا یا حداقل سود مورد انتظار بانک برای ورود به این مشارکت مشخص نبوده، همچنین، محاسبه سود قطعی مشارکت در پایان قرارداد با توجه به مشارکت بانک در کل دارایی‌های مشتری به منظور محاسبه سهم سود هر یک از شرکا به آسانی امکانپذیر نیست.

۳-۲-۴. راهکار جعاله احیا

جعاله عبارت است از متعهد شدن شخص حقیقی یا حقوقی به پرداخت اجرت (جعل) معین در برابر انجام کار معین. کسی که تعهد می‌کند را جاعل و انجام‌دهنده کار را عامل می‌گویند.^۱ در این روش، پس از بررسی شرایط متقاضی و توان متقاضی در بازپرداخت اقساط، مطالبات بانک پس از کسر پیش پرداخت‌های مشتری محاسبه و مبنای مبلغ قرارداد جعاله احیا می‌شود. با انعقاد قرارداد جدید قرارداد پیشین تسویه و نسبت به وصول مطالبات اقدام می‌شود.^۲

• نقد و بررسی

این راهکار از نظر فقهی بر مبنای عقد جعاله بوده و مانند راهکار پیشین مزایایی را برای بانک و مشتری دارد، اما به‌رغم مزایای آن از برخی جهات زیر قابل نقد و بررسی است:

۱. قرارداد جعاله در تمامی بخش‌های اقتصادی قابلیت اجرا دارد، ولی از نظر فقهای اسلامی قرارداد جعاله جایگزین فروش اقساطی برای خدمات قابل ارائه در بخش‌های مختلف اقتصادی است و استفاده از آن برای استمهال بدهی متقاضیان و نقش عاملیت بانک قابل توجیه نیست، بنابراین، کار انجام شده و اجرت عامل در این قرارداد مشروع نیست.

۱. موسویان (۱۳۹۰).

۲. مراجعه شود به اطلاعیه جعاله احیا- بانک ملت به شماره ۲/۶۲۸۶ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۹.

۲. قرارداد جعاله از قراردادهای مبادله‌ای در بانکداری بدون ربا بوده و نرخ سود آن تابع نرخ سود عقود مبادله‌ای است که به نظر می‌رسد با توجه به قیمت تمام‌شده سپرده‌ها در شرایط فعلی برای بانک‌ها این روش مورد استقبال قرار نمی‌گیرد.

۵. مشارکت کاهنده مناسب‌ترین ابزار برای استمهال تسهیلات غیرجاری

مشارکت کاهنده بر اساس عقد شرکت طراحی شده و می‌توان از آن در سرمایه‌گذاری و تأمین مالی طرح‌های بزرگ به طور وسیع استفاده کرد. مشارکت کاهنده نوعی شرکت است که شرط‌های ویژه‌ای دارد. تفاوت بین مشارکت دائم و مشارکت کاهنده در عنصر دوام و استمرار نهفته است.

۵-۱. تعریف مشارکت کاهنده

دو شخص حقیقی یا حقوقی با سرمایه مشترک به اجرا یا خرید طرحی اقدام می‌کنند و در ضمن قرارداد توافق می‌کنند پس از اجرا یا خرید پروژه، یک طرف حق داشته باشد سهم شریکش را به صورت تدریجی و طی اقساط معین خریداری کند. به بیان دیگر، به یکی از دو شریک حق داده می‌شود که سهم دیگری را به تدریج تملک کند. با توجه به این توضیحات می‌توان گفت: «مشارکت کاهنده قرارداد شرکتی است که به موجب آن طرفین ضمن قرارداد توافق می‌کنند یکی از شریکان به تدریج سهم‌الشرکه شریک دیگر را تملک کند»^۱.

۵-۲. پیشینه مشارکت کاهنده

مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته درباره مشارکت کاهنده در داخل و خارج از کشور عبارت است از: کمال، توفیق و محمد، خطاب (۱۴۲۴ق) در مقاله «المشارکه المتناقصه کاداه من ادوات التمولیل الاسلامی» پدید ساختن فرصت‌های شغلی جدید، ازدیاد احداث مسکن، توزیع خسارت بین شریکان و دستیابی صاحب مال به سود عادلانه را از مزیت‌های این قرارداد برشمرده است. وی این قرارداد را به شرط اینکه به شبهه ربا و غرر آلوده نشود، مشروع می‌داند.

۱. معصومی‌نیا و شهیدی‌نسب (۱۳۸۹).

عثمانی یوسمانی^۱ (۲۰۰۲) در مقاله "راهنمایی بانک میزان برای بانکداری اسلامی" کاربرد مشارکت کاهنده به منظور خرید دارایی ثابت، تأمین مالی مسکن، تأمین مالی طرح و کارخانه، تأمین مالی وسیله حمل و نقل و تأمین مالی در شرکت‌های تجاری را با ذکر مثال بیان نموده و از نظر فقهی بررسی کرده و در پایان، کاربردهای مشارکت کاهنده در موارد پیش گفته را از نظر شرعی و طبق اصول اسلامی تأیید می‌نماید.

طیب، رامایا و عبدالرزاق^۲ (۲۰۰۸) در مقاله "عوامل مؤثر در استفاده از روش مشارکت کاهنده در سرمایه‌گذاری داخلی"، با تحلیل‌های رگرسیونی و همبستگی داده‌های گردآوری شده، هدف از مقاله را آزمایش سطح پذیرش مفهوم مشارکت کاهنده به عنوان یک ابزار تأمین مالی در سرمایه‌گذاری داخلی به وسیله مصرف کنندگان در مالزی بیان کردند.

نصیر^۳ (۲۰۱۰) در مقاله "یک روش قابل اجرای تأمین مالی از طریق فروش سهم‌الشرکه در مدیریت نیازمندی‌های سرمایه‌گذاری در تجارت"، دیدگاهی به‌عنوان یک دانش جدید برای گروه‌های علاقه‌مند به درک ویژگی‌های ابزار تأمین مالی اسلامی مطابق با شریعت فراهم نمود. وی تلاش کرد که مفاهیم مرتبط با شریعت و اصول کلی را به طور دقیق به منظور توجیه اعتبار این ابزار تأمین مالی برای استفاده‌کنندگان مورد مطالعه قرار دهد.

فاضلیان و بیدگلی^۴ (۱۳۸۴) در مقاله "معرفی روش‌های تأمین مالی مسکن" مشارکت کاهنده را به‌عنوان یکی از روش‌های تأمین مالی برای خرید مسکن در کنار فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک مطرح کرده و یک مدل برای آن ارائه کرده‌اند.

معصومی‌نیا و شهیدی‌نسب^۵ (۱۳۸۸) در مقاله "بررسی فقهی و اقتصادی ابزار تأمین مالی مشارکت کاهنده" به بررسی فقهی مشارکت کاهنده بر اساس فقه امامیه پرداخته‌اند. آنها ضمن طراحی مدل عملیاتی این ابزار در پایان، نتیجه‌گیری می‌کنند که مشارکت کاهنده قراردادی است که هیچ شبهه فقهی نداشته و ضمن تأمین انگیزه شریکان قابلیت طراحی اوراق و عملیات بانکی را دارد.

1. Muhammad Imran Ashraf Usmani

2. Fauziah Md. Taib & Ramayah, T & Dzuljastri Abdul Razak

3. Mohd Nasir bin Mohd Yatim

۵-۳. ارکان مشارکت کاهنده

از آنجا که مشارکت کاهنده نوعی شرکت عنان است، بنابراین، بحث‌هایی که در زیر می‌آید مربوط به همین قسم از شرکت عقدی است.^۱

۱. ایجاب و قبول: عبارت است از لفظی که متعاقبین با گفتن آن، رضایت و اراده خویش را برای انعقاد شرکت اعلام می‌دارند و به هر لفظ و زبانی که مقصود پیش گفته را برسانند، درست است.

۲. طرفین عقد: طرفین عقد شرکت که در اصطلاح شرکا یا سهام‌داران شرکت نامیده می‌شوند، باید شرایط عمومی معاملات را داشته باشند.

۳. سرمایه (مال الشریکه): اموالی که شریکان به صورت سرمایه برای شرکت می‌آورند باید شرایط زیر را داشته باشد:

الف) سرمایه باید عین باشد، بنابراین، دین و منفعت نمی‌تواند سرمایه شرکت واقع شود.

ب) سرمایه باید از جهت جنس و مقدار معلوم و معین باشد.

ج) سرمایه شریکان باید مخلوط و ممزوج شود.^۲

۵-۴. مراحل انعقاد مشارکت کاهنده

الف) نخستین مرحله ایجاد مالکیت مشترک در دارایی است که مالکیت مشترک و این نوع مشارکت از نظر فقه اسلامی مجاز شمرده شده است.

ب) مرحله دوم در مشارکت کاهنده شرط ضمن عقد است که به صورت شرط فعل بوده و به این صورت است که بانک به مشتری می‌گوید با تو در موضوع مشارکت، شراکت می‌کنم، مشروط به اینکه سهم بانک را به تدریج خریداری کنی، روشن است که عمل به این شرط برای مشتری وجوب تکلیفی دارد، اما تا زمانی که وی به شرط خود عمل نکند، مالکیت بانک بر سهمش باقی است. شرط ضمن عقد به صورت شرط فعل در مشارکت کاهنده با فتوای مشهور فقیهان سازگار است.^۳

۱. موسویان. (۱۳۸۸).

۲. همان مأخذ

۳. معصومی‌نیا و شهیدی‌نسب. (۱۳۸۸).

ج) مرحله سوم اجاره سهم بانک به شریک: با توجه به نوع دارایی، بانک سهم‌الشرکه خود را به متقاضی اجاره داده و اجاره‌بها می‌گیرد و یا براساس سود پیش‌بینی معامله، حداقل سود مورد انتظار و سود قطعی در مقاطع زمانی مشخص سهم سود خود را دریافت می‌کند. این وضعیت نیز مانند مراحل پیش‌مورد توافق فقهای اسلامی است.

د) فروش واحدهای سهم‌الشرکه بانک در مراحل مختلف: با توجه به مدت قرارداد، تعداد مراحل واگذاری و مبلغ اجاره‌بها یا سهم سود بانک متناسب با مبلغ سهم‌الشرکه در هر مرحله از واگذاری، از سهم‌الشرکه بانک کاسته و به سهم‌الشرکه شریک اضافه می‌شود تا اینکه در نهایت سهم‌الشرکه بانک صفر شود.

۶. کاربرد مشارکت کاهنده برای استمهال تسهیلات غیرجاری

با توجه به بررسی راهکارهای موجود برای استمهال تسهیلات غیرجاری و بیان مزایا و محدودیت‌های هریک، در این بخش به‌منظور عملیاتی کردن پیشنهاد در قالب مشارکت مدنی کاهنده به معرفی روش پیشنهادی و بررسی آن پرداخته می‌شود.

۶-۱. موافقت ارکان اعتباری با استمهال تسهیلات غیرجاری متقاضی و معرفی دارایی

پس از بررسی شرایط متقاضی و کارشناسی پرونده در صورت توجیه داشتن موضوع و اطمینان ارکان اعتباری از برگشت منابع بانک، وجه التزام متعلقه محاسبه و به‌صورت نقد از مشتری دریافت و از بدهی او کسر می‌شود.^۱ در این مرحله، براساس صلاحدید ارکان اعتباری و توانایی متقاضی بانک با دین حال نمودن کل بدهی مشتری و یا به میزان تسهیلات غیرجاری وی میزان مطالبات خود را مشخص و متقاضی نیز نسبت به معرفی دارایی خود به بانک اقدام می‌نماید.

عمر مفید دارایی معرفی شده حداقل می‌بایست با مدت قرارداد مشارکت برابر باشد. آنچه مسلم است در رابطه با این مشارکت هزینه‌های دیگری نیز وجود خواهد داشت که تعیین ارقام و مبلغ دقیق آنها در ابتدای کار به صورت کاملاً مشخص امکانپذیر نیست؛ برای جلوگیری از بروز اختلافات احتمالی آتی، که معمولاً مسئول اداره امور شرکت مدنی است، در همان ابتدا می‌بایست این گونه هزینه‌های

۱. در صورتی که امکان پرداخت نقدی نباشد می‌تواند بخشی از قیمت مشارکت باشد.

پیش‌بینی نشده را در ازای پرداخت مبلغ معینی با شرکا مصالحه نمود و شرکا تقبل نمایند در صورت وجود چنین هزینه‌هایی، بدون حق مطالبه از بانک، آنها را از منابع خودشان پرداخت نمایند.

۲-۶. ارزیابی دارایی معرفی شده توسط بانک

در این مرحله، بانک نسبت به ارزیابی دارایی توسط کارشناسان بانک و یا کارشناسان رسمی دادگستری اقدام و پس از مشخص نمودن مبلغ ارزیابی، سرمایه مشارکت مشخص و با توجه به مبلغ بدهی درصد سهم‌الشرکه خود را به صورت نقدی تعیین می‌نماید؛ درصد سهم‌الشرکه مشتری نیز مشخص و به صورت غیر نقدی در قرارداد قید می‌شود. ارکان اعتباری با در نظر گرفتن توانایی متقاضی و عمر مفید دارایی مدت و تعداد مراحل واگذاری سهم‌الشرکه بانک را تعیین و با توجه به نوع دارایی معرفی شده (مانند املاک مسکونی، اداری، تجاری، محل کارخانه و انواع ماشین‌آلات) و مقررات و آیین‌نامه‌های هر بانک در صورتی که موضوع مشارکت از جمله وثایق قابل قبول در نظام بانکی باشد، دارایی معرفی شده به عنوان وثیقه قرار می‌گیرد و در غیره این صورت ارکان اعتباری بنا به صلاحدید خود وثایق قرارداد را مشخص می‌نماید.

۳-۶. مالکیت اموال مشاعی

بانک به میزان مبلغ پرداختی (بدهی معوقه مشتری) به صورت مشاع در دارایی خریداری شده با مشتری شریک می‌شود. با توجه به اینکه بانک با عقد مشارکت مدنی کاهنده و با شرط ضمن عقد در اموال معرفی شده شریک مشتری است، به مقتضای شرط ضمن عقد:

۱. با واگذاری بخشی از سهم‌الشرکه بانک به شریک در هر مرحله سهم مشتری در دارایی افزایش و سهم بانک کاهش می‌یابد.
۲. بانک در طول دوره مشارکت و متناسب با سهم‌الشرکه خود، آن را به مشتری اجاره داده و اجاره‌بها دریافت می‌کند.

۴-۶. تعیین اجاره‌بها و یا حداقل سود مورد انتظار بانک برای اموال مشاعی

بانک بر اساس شرط ضمن عقد در طول مشارکت باید اجاره دارایی و یا سود حاصله از مشارکت را همراه با اصل سهم‌الشرکه در هر مرحله دریافت نماید که می‌تواند به سه حالت زیر باشد:

۱. در حالت اول، بانک سهم خود در دارایی را به شریک اجاره می‌دهد و مشتری سهم‌الشرکه بانک را به صورت مرحله‌ای و به تدریج خریداری نموده تا زمانی که دارایی به صورت کامل مورد تملک مشتری قرارگیرد. اجاره‌بها بین مشتری و بانک مطابق سهم‌الشرکه آنها تقسیم می‌شود.
 ۲. در حالت دوم، بانک بر اساس شرط ضمن عقد در مراحل مشخص سهم‌الشرکه خود را به مشتری واگذار می‌کند، ولی نیازی به تعیین اجاره‌بها به صورت جداگانه نبوده و مانند آنچه بانک‌ها در اجاره به شرط تملیک انجام می‌دهند با در نظر گرفتن طول دوره قرارداد و با توافق مشتری اجاره‌بها را مشخص و مبالغ اجاره را روی قیمت سهم‌الشرکه توزیع و در هر مرحله همراه با اصل از شریک دریافت می‌نماید.
 ۳. در حالت سوم، بانک با در نظر گرفتن سود پیش‌بینی بنگاه اقتصادی و حداقل سود مورد انتظار خود در هر مرحله متناسب با سهم‌الشرکه خود بخشی از اصل سهم‌الشرکه و سود خود را دریافت و در پایان سال مالی بنگاه و مشخص شدن سود قطعی فعالیت شریک، سهم سود قطعی بانک از دارایی مشخص و مابه‌التفاوت سود بین طرفین تسویه می‌شود. می‌توان گفت در حالت اول و تعیین اجاره‌بها به صورت جداگانه در هر مرحله، عملیات بانک پیچیده می‌شود، همچنین، حالت سوم نیز تنها برای واحدهایی که دارای صورت‌های مالی حسابرسی شده و دارایی‌های مشخص در هر زمان هستند، قابل استفاده خواهد بود، بنابراین، در این پژوهش حالت دوم با توجه به سادگی و نبود اشکال فقهی پیشنهاد می‌شود.
- ۵-۶. تسویه قرارداد**
- در پایان قرارداد در صورت ایفای تعهدات مشتری، سهم بانک از دارایی به مشتری انتقال یافته و مشتری مالک کل دارایی می‌شود، در نتیجه، نسبت به تسویه قرارداد اقدام می‌نماید.
- ۷. دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی کاهنده استمهالی**
- بانک‌ها پس از بررسی کارشناسی و شناخت کافی از وضعیت فعلی متقاضی و اطمینان از برگشت منابع

- بر اساس ضوابط و مقررات خود نسبت به انعقاد قرارداد مشارکت مدنی کاهنده استمهالی به‌منظور کمک به تسویه بدهی‌های معوقه و استمرار فعالیت مشتری اقدام می‌نمایند.
- مشارکت مدنی کاهنده استمهالی توسط بانک‌ها به منظور استمهال تسهیلات غیرجاری مشتریان و کمک به استمرار فعالیت آنها در بخش‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی صورت خواهد گرفت.
 - حداکثر مدت زمان اعطای تسهیلات مشارکت مدنی کاهنده استمهالی به میزان عمر مفید دارایی معرفی شده است و نباید از پنج سال تجاوز نماید.
 - در این نوع قرارداد، حداکثر سهم‌الشرکه بانک ۸۰ درصد و حداقل سهم‌الشرکه شریک ۲۰ درصد است.
 - شریک با امضای قرارداد متعهد می‌شود که در هر مرحله بخشی از سهم‌الشرکه بانک را بر اساس شرایط مصوبه اعتباری خریداری و به همراه اجاره‌بها تا تاریخ تسویه هر مرحله به بانک بپردازد.
 - واگذاری سهم‌الشرکه بانک در یک یا چند مرحله مساوی / غیرمساوی و متوالی ماهانه / دو ماهه / سه ماهه / ... / یک‌ساله امکان‌پذیر است.
 - اداره امور مشارکت مدنی کاهنده استمهالی، طبق قرارداد برعهده شریک خواهد بود.
 - بانک‌ها موظفند برحسب اجرای قراردادهای منعقد شده موضوع مشارکت کاهنده استمهالی تا خاتمه موضوع شرکت و تسویه حساب نظارت لازم و کافی به‌عمل آورند.
 - بانک‌ها می‌توانند برای اطمینان از حسن اجرای قرارداد مشارکت مدنی کاهنده استمهالی خود از طرف مقابل در قرارداد تأمین کافی دریافت نمایند.
 - متقاضی در درخواست و تعهد کتبی خود باید نوع و مشخصات دقیق اموال موضوع مشارکت را دقیقاً مشخص نماید.
 - بانک‌ها باید در قرارداد مشارکت مدنی کاهنده استمهالی ضمن شرایط دیگر، موارد زیر را در نظر گیرند:
 ۱. مکلف نمودن شریک به حفظ و نگهداری و کاربرد صحیح اموال موضوع مشارکت.
 ۲. شرط عدم واگذاری عین یا منافع عین اموال موضوع مشارکت به اشخاص دیگر از طریق اجاره و یا با هر عنوان دیگر.

۳. پرداخت هرگونه هزینه تعمیرات حتی در مواردی که این تعمیرات اساسی و کلی باشد، همچنین، هزینه‌های تکمیل و نظایر آن در طول مدت مشارکت بدون حق مطالبه از بانک برعهده شریک خواهد بود.
۴. شریک حق تغییر محل، تغییر شکل و یا هر نوع تغییر دیگری در عین موضوع مشارکت را بدون موافقت قبلی بانک ندارد.
۵. پرداخت تمام مالیات‌ها و عوارض متعلقه به اموال موضوع مشارکت، بدون حق مطالبه از بانک به عهده شریک خواهد بود.
۶. حق بازرسی و بازدید از اموال موضوع مشارکت برای بانک در طول مدت مشارکت به منظور اعمال نظارت لازم و کافی.
۷. مشخص نمودن موارد فسخ و نحوه تسویه حساب در قرارداد مشارکت مدنی کاهنده استمهالی.
- بانک‌ها باید در قرارداد مشارکت مدنی کاهنده استمهالی قید نمایند که این قرارداد، بر اساس توافق طرفین، در حکم اسناد لازم‌الاجرا و تابع آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی است.
- در صورتی که شریک پیش از پایان دوره مشارکت مبادرت به پرداخت و تسویه کامل باقی‌مانده اجاره‌بها و اصل سهم‌الشرکه بانک نماید، بانک‌ها مجازند که بر اساس قیمت‌گذاری اموال موضوع مشارکت در آن زمان نسبت به تخفیف اجاره‌بهای باقی‌مانده با شریک مصالحه نموده و نسبت به تملیک کل موضوع مشارکت به شریک اقدام نمایند.
- بانک‌ها مکلفند ترتیبی اتخاذ نمایند که اموال موضوع قرارداد مشارکت مدنی کاهنده استمهالی همه ساله تا پایان دوره مشارکت به نفع بانک بیمه شود.
- پیش از کارشناسی پرونده و صدور مصوبه اعتباری بانک، مشتری می‌بایست نسبت به معرفی دارایی منضبط خود به ارکان اعتباری اقدام نماید.
- بانک حداکثر تا میزان بدهی مشتری ناشی از قراردادهای پیشین، نسبت به خرید دارایی با توجه به قیمت ارزیابی اموال مشاعی، در سهم درصدی از اموال مشاعی مشارکت می‌کند.
- بر اساس قیمت ارزیابی شده، مبلغ اجاره‌بهای روزانه (کل اموال مشاعی) بر اساس حداقل نرخ‌های سود مورد انتظار اعلامی توسط شورای پول و اعتبار در عقود مشارکتی تعیین می‌شود تا در صورت

مشارکت در اموال مشاعی توسط بانک، برای سهم درصد تملیکی اجاره‌بها مشخص شده و در مراحل واگذاری سهم‌الشرکه بانک طبق شرایط مصوبه اعتباری از مشتری دریافت شود.

- شریک هر زمان نسبت به خرید بخشی از سهم‌الشرکه بانک اقدام نماید، به معنی آمادگی برای خرید سهم درصد موضوع مشارکت در مقاطع پیشین بوده و بانک نسبت به تملیک سهم درصد اموال مشاعی متناسب با مبلغ واریزی به مشتری اقدام می‌کند. میزان اجاره بهای دریافتی بانک متناسب با سهم مالکیتی بانک از اموال مشاعی در مقاطع روزانه است.^۱

۸. مثال کاربردی

برای کاربردی نمودن راهکار پیشنهادی مشارکت مدنی کاهنده استمهالی، روش‌شناسی عنوان شده در قالب یک مثال اجرایی ارائه می‌شود.

شرکت (الف) که در بخش خدمات عمرانی فعالیت می‌نماید به علت وصول‌نشدن صورت‌وضعیت‌های خود در ایفای تعهدات با مشکل مواجه شده که ارکان اعتباری پس از بررسی‌های انجام شده و ارزیابی دارایی معرفی‌شده با حال نمودن تمام بدهی‌های متقاضی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با استمهال بدهی متقاضی در قالب قرارداد مشارکت مدنی کاهنده به شرح زیر موافقت نموده‌است:

۱. مبلغ ارزیابی دارایی معرفی‌شده: ۱/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سرمایه مشارکت).
۲. سهم‌الشرکه بانک ۸۰ درصد برابر ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت نقدی و سهم‌الشرکه شریک ۲۰ درصد برابر ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت غیرنقدی.
۳. نرخ اجاره‌بها مورد توافق: ۲۱ درصد.
۴. مدت مشارکت ۳۶ ماه و بازپرداخت سهم‌الشرکه بانک و اجاره‌های متعلقه در ۳۶ مرحله ماهانه مساوی و متوالی.

۱. برگرفته از دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی و اجاره به شرط تملیک تصویبی شورای پول و اعتبار در پانصد و بیست و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۶۳/۰۱/۱۹، دستورالعمل اجرایی عقود مشارکتی/بخشنامه شماره ۸۶۷ بانک تجارت.

۵. به منظور اطمینان بانک از حسن اجرای قرارداد دریافت ۱۴۰ درصد سهم‌الشرکه بانک سفته تضمینی با ضمانت و ظهرنویسی مدیران و دو ضامن معتبر و مورد وثوق شعبه.
- شعبه پس از دریافت مصوبه و احراز شرایط نسبت به تنظیم قرارداد اقدام کرده که عملیات حسابداری به شرح زیر است (کارمزد ارزیابی دریافت‌شده از شرکت «الف» در ثبت حسابداری آورده نشده است).
۱. ثبت قرارداد
- | | |
|------|---|
| ریال | بد- حساب انتظامی قرارداد مشارکت مدنی کاهنده |
| ریال | بس- طرف حساب‌های انتظامی قراردادها |
۲. ثبت وثایق
- | | |
|--------------------|---|
| ریال ۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | بد- حساب انتظامی وثایق، مشارکت مدنی کاهنده استمهالی |
| ریال ۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | بس- طرف حساب‌های انتظامی وثایق |
۳. ثبت تمبر مالیاتی
- | | |
|-------------|-----------------------|
| ریال ۳۰/۰۰۰ | بد- حساب شرکت الف |
| ریال ۳۰/۰۰۰ | بس- حساب تمبر مالیاتی |
۴. ثبت تعهدات بانک
- | | |
|--------------------|---|
| ریال ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | بد: طرف حساب تعهدات بانک بابت مشارکت مدنی کاهنده استمهالی |
| ریال ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | بس: حساب تعهدات بانک بابت مشارکت مدنی کاهنده استمهالی |
۵. پرداخت حق‌الصلح
- | | |
|---------------------------------|------------------------------------|
| (به مبلغ تعیین شده برای مصالحه) | بد: حساب هزینه‌ها حق‌الصلح پرداختی |
| (به مبلغ تعیین شده برای مصالحه) | بس: حساب جاری شرکت الف |
۶. ثبت سرمایه مشارکت
- الف) واریز سهم‌الشرکه بانک (نقدی)

بد: حساب تسهیلات اعطایی مشارکت کاهنده استمهالی ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 بس: حساب مشترک مشارکت مدنی ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 (ب) واریز سهم‌الشرکه شریک (غیرنقدی)

در این حالت برای نشان دادن ثبت سرمایه غیرنقدی شریک، از سرفصل واسطه «بدهکاران موقت» استفاده می‌شود و ابتدا ثبت سرمایه، سپس، تحویل اموال منعکس می‌شود.

بد: حساب بدهکاران موقت (به مبلغ تقویم شده اموال) ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 بس: حساب مشترک مشارکت مدنی (به مبلغ تقویم شده اموال) ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

با تحویل اموال به شرکت مدنی سند زیر صادر می‌شود:

بد: حساب مشترک مشارکت مدنی (به مبلغ تقویم شده اموال) ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 بس: حساب بدهکاران موقت (به مبلغ تقویم شده اموال) ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

به این ترتیب، تحویل و تحول اموال به شرکت مدنی توسط شریک تحقق می‌پذیرد.

۷. ثبت برگشت تعهدات بانک

با توجه به واریز سهم‌الشرکه بانک تعهدات بانک کاهش، در نتیجه اسناد مرحله ۴ معکوس می‌شود.

۸. استفاده از سرمایه مشارکت

در این مرحله، بانک سهم‌الشرکه خود را در اختیار مدیران شرکت مدنی قرار می‌دهد تا از محل آن تسهیلات غیرجاری پیشین شرکت تسویه و از سرفصل‌های مطالباتی بانک خارج شود.

بد: حساب مشترک مشارکت مدنی (به میزان سهم‌الشرکه بانک) ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 بس: حساب جاری شرکت الف (به میزان سهم‌الشرکه بانک) ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۹. برگشت منابع

از این پس دارایی موضوع مشارکت در اختیار مدیران شرکت مدنی بوده و در طول دوره واگذاری، شریک علاوه بر اصل سهم‌الشرکه بانک اجاره‌بها متعلقه را نیز در ۳۶ مرحله ماهانه مساوی و در هر مرحله به مبلغ ۳۷/۶۷۵/۰۶۷ ریال به حساب مشترک مشارکت مدنی واریز کرده تا در هر مرحله سهم

اصل به حساب تسهیلات اعطایی و سهم اجاره‌بها نیز به حساب درآمد معاملات واریز و در پایان، قرارداد تسویه شود. به عنوان مثال، در مرحله اول واگذاری مبلغ دریافتی به شرح زیر به حساب اصل و اجاره بهای دریافتی واریز می‌شود:

۳۷/۶۷۵/۰۶۷ ریال	} بد: حساب شرکت الف بس: حساب مشترک مشارکت مدنی
۳۷/۶۷۵/۰۶۷ ریال	
۳۷/۶۷۵/۰۶۷ ریال	} بد: حساب مشترک مشارکت مدنی بس: حساب تسهیلات مشارکت مدنی استمهالی بس: حساب اجاره بهای دریافتی تسهیلات مشارکت مدنی استمهالی
۲۰/۴۶۸/۱۳۲ ریال	
۱۷/۲۰۶/۹۳۵ ریال	

این سند در ۳۵ مرحله بعدی واگذاری تدریجی سهم‌الشرکه بانک متناسب با اصل و اجاره‌بهای دریافتی تکرار می‌شود.

۱۰. در پایان قرارداد و تسویه تسهیلات خروج اسناد انتظامی مربوطه مانند عقود دیگر تکرار شده و در صورت تأخیر در ایفای تعهدات وجه التزام مربوطه شناسایی و دریافت می‌شود. نحوه طبقه‌بندی دارایی‌ها براساس دستورالعمل مربوطه در مورد ایجاد مطالبات در تسهیلات مشارکت مدنی کاهنده استمهالی نیز می‌بایست رعایت شود.

۹. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

در این پژوهش را با بررسی علل مطالبات غیرجاری نظام بانکی و تقسیم‌بندی این‌گونه مشتریان با هدف معرفی روش‌های مجاز استمهال مطالبات غیرجاری بانک‌ها و ارائه یک راهکار عملیاتی برای کمک به استمرار فعالیت گروه خاصی از بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی که هدف پرداخت بدهی خود را دارند، اما بنا به علل مختلف امکان پرداخت یکجای بدهی برای آنها میسر نیست، انجام گرفت. در این راستا، ضمن نقد و بررسی روش‌های موجود، فرضیه «با استفاده از ابزار مشارکت کاهنده می‌توان راهکاری شرعی و عملیاتی به منظور استمهال مطالبات غیرجاری نظام بانکی طراحی نمود.» را مطرح کرده که با توجه به مدل عملیاتی و مثال ارائه‌شده توانست راهکاری را که دارای مشروعیت

فقهی، قانونی و بانکی باشد، ارائه نماید. به طور کلی، مزایا و ویژگی‌های این راهکار را می‌توان به شرح زیر جمع‌بندی نمود:

۱. استفاده از قرارداد مشارکت مدنی کاهنده استمهالی آثاری دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از تنوع ابزارها در نظام مالی بدون ربا، درگیر شدن بانک و مشتری در فعالیت واقعی تا تسویه قرارداد، کمک به استمرار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، کمک به حفظ اشتغال و ایجاد ارزش افزوده در بخش‌های مختلف اقتصادی و کاهش تورم و بیکاری.
۲. از نظر ماهیت: مشارکت کاهنده استمهالی عقد شرکتی است که شرط اجاره و بازخرید دارایی (سهم‌الشرکه بانک) در ضمن آن درج شده است.
۳. درج شرط در قرارداد مشارکت مدنی کاهنده استمهالی به صورت شرط فعل صحیح و مطابق فتوای مشهور فقیهان است.
۴. در مقام مقایسه می‌توان ادعا کرد که راهکار پیشنهادی به دلایل زیر نسبت به راهکارهای دیگر استمهال فعلی برتری دارد:
 - مشروعیت فقهی: عقد مشارکت مدنی از انواع قراردادهای اسلامی است و فقها در خصوص صحیح بودن این عقد اتفاق نظر دارند و ارکان صحیح عقد شرکت در مشارکت مدنی کاهنده نیز صحیح و برقرار است.
 - مقبولیت قانونی: با توجه به اینکه این راهکار بر اساس عقد مشارکت مدنی است که در قانون بانکداری بدون ربا قابل قبول است، مشکلات قانونی نداشته و چالش مربوط به تعیین سود واقعی مربوط به عقدهای مشارکتی نیز در این راهکار موضوعیت ندارد.
 - پوشش اقتصادی: این راهکار در تمامی بخش‌های اقتصادی کاربرد دارد.
 - توجیه بانکی و سهولت معامله: با توجه به امکان انعقاد قرارداد جدید این امکان برای بانک وجود دارد که نسبت به تحکیم و تایق اقدام نماید، همچنین، تمامی مشتریان دارای مطالبات غیرجاری و حتی بدهکاران ضمانت‌نامه و گشایش‌های پرداختی را شامل شده و از نظر عملیاتی شدن نیز دارای شیوه آسانی در اجراست.

با توجه به اینکه راهکار مشارکت مدنی کاهنده استمهالی مشکلات مختلف مربوط به راهکارهای دیگر در استمهال تسهیلات غیرجاری بانکها را برطرف می‌نماید و از نظر مدت زمان استمهال نیز به عنوان یک ابزار کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت قابل استفاده است، پیشنهاد می‌شود این راهکار از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای اجرا به عنوان یک ابزار در کنار راهکارهای دیگر برای استمهال مطالبات غیرجاری نظام بانکی به تمام بانکها برای اجرا ابلاغ شود.

Archive of SID

منابع

- ۱- برهانی، حمید (۱۳۸۹). بررسی علل و عوامل ایجاد مطالبات معوق و راهکارهای کاهش آن. مجموعه مقالات همایش بانکداری اسلامی، بیست و یکمین کنفرانس، مؤسسه عالی بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ۲- بهمنی، محمود (۱۳۸۶). مدیریت مطالبات معوق. مجموعه مقالات همایش بانکداری اسلامی، هجدهمین کنفرانس، مؤسسه عالی آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ۳- ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹). گرفته شده از: www.cbi.ir
- ۴- جمشیدی، سعید (۱۳۹۱). بانکداری اسلامی. تهران، انتشارات گپ، چاپ دوم.
- ۵- شعبانی، احمد و جلالی، عبدالحسین (۱۳۹۰). دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن. فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۴.
- ۶- فاضلیان، سیدمحسن و اسلامی‌بیدگلی، غلامرضا (۱۳۸۴). معرفی روش‌های تأمین مالی اسلامی مسکن. فصلنامه صادق (ع)، شماره ۲۵.
- ۷- مداحی، جواد (۱۳۸۶). آسیب شناسی مطالبات معوق. مجله بانک.
- ۸- معصومی‌نیا، غلامعلی و شهیدی‌نسب، مصطفی (۱۳۸۸). بررسی فقهی و اقتصادی ابزار تأمین مالی مشارکت کاهنده. فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاداسلامی. سال نهم، شماره ۳۵.
- ۹- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۵). بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا. مجله فقه و حقوق، شماره ۸.
- ۱۰- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۸). مهندسی مالی عقود در بانکداری اسلامی. فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال نهم، شماره ۳۵.
- ۱۱- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰). طرح تحول نظام بانکی: اصلاح قانون و الگوی بانکداری بدون ربا. تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران.

۱۲- موسویان، سیدعباس و کشاورزبان پیوستی، اکبر. (۱۳۹۰). طراحی اعتبار در حساب جاری در بانکداری بدون ربا در قالب مشارکت مدنی مشروط. بیست و یکمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی. تهران. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. تهران.

۱۳- موسویان، سیدعباس. (۱۳۹۱). فقه معاملات بانکی (جزوه آموزشی). اداره آموزش بانک مرکزی ج.ا.ا. تهران.

- 14- Fauziahmd Taib , Ramayah, T. and Dzuljastri Abdulrazak. (2008). Factors Influencing Intention to Use Diminishing Partnership Home Financing. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management Vol. 1 No.3.
- 15- Goldstein, Morris and Turner, Philip. Banking .(1996). Crises in Emerging Economies: Origins and Policy Option. Economic Papers No.46. Basle Switzerland: Bank for International Settlements.
- 16- Guo Ning-ning. (2007). Causes and Solutions of Non-Performing Loan in Chinese Commercial Banks. Chinese Business Review. Jun. 2007. Vol 6. No. 66(6).
- 17- Islam Mohammad Shofigul Shil, Nikhil Chandra and Mannan, M.D. Abdul (2005). Non performing Loans-it Causes, Consequences and Some Learning. Published in: Stamford journal of Business Studies. No.2:pp.100-116.
- 18- Mohad Nasir bin Mohad Yatim. (2010). Diminishing Musharakah: Using a Viable Kind of Equity Financing Instrument in Managing the Capital Requirement of Business. African journal of Business Management. Vol.4(12)pp 2380-2384.
- 19- Muhammad Imran Ashraf Usmani. (2002). Meezan Banks Guid to Islamic Banking. Darul Ishaat, Karachi, Pakistan.